

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۳۷، پیاپی ۱۲۷، بهار ۱۳۹۷

کاربرد اصطلاحات مالی در نظام دیوانی عصر صفویه^۱

جواد موسوی دالینی^۲

لیدا مودت^۳

اکبر حکیمی پور^۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۹

چکیده

پژوهش در امور مالی و اداری در زمره موضوعاتی است که به دلایلی مانند کمبود اسناد، مدارک تاریخی و منابع تحقیقی کمتر مورد توجه محققان مسائل دوره صفویه قرار گرفته است. شمار چنین تحقیقاتی نیز به مراتب کمتر از بررسی‌ها در زمینه تشکیلات اداری و مالی می‌باشد. مسئله پژوهش حاضر فهم کاربرد و جایگاه اقتصادی اصطلاحات مالی ایران عصر صفویه است. در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع تاریخی موجود و با تکیه بر شیوه توصیفی-تحلیلی، اصطلاحات مالی عصر صفوی در

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2018.16638.1436

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز، (نویسنده مسئول)؛ javadmousavi@shirazu.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز؛ L.mavadat@scu.ac.ir

۴. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز؛ akbarhakimpour@yahoo.com

سطوح مختلف اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که دستگاه مالیاتی ایران عصر صفوی با برخورداری از یک نظام سلسله‌مراتبی، بر قریب به اکثریت زمینه‌های اقتصادی و درآمدزای جامعه عصر خود نظارت داشته است. چنین نظارتی به وسیله حضور و فعالیت کارکنان و عمال حکومتی در مراتب و درجات مختلف دیوان‌سالاری ممکن می‌شد. همچنین بخش زیادی از اصطلاحات مالی مختص نظام اقتصادی شهری بود. حوزه‌هایی چون مشاغل و مواجب دیوان‌سالاری، هزینه‌های تشریفات درباری، پیشه‌های بازاری و اصناف، امور نظامی و لشکری و راهداری و گمرک از مهم‌ترین حوزه‌های اقتصادی شهری آن عصر بودند که اصطلاحات مالی و مالیاتی آن‌ها به همراه میزان مخارج یا دیگر هزینه‌هایشان در دفترهای دیوان استیفا به ثبت می‌رسید. دو جامعه روستایی و کوچ‌نشین نیز با توجه به کارکرد اقتصادی خود، بخشی از اصطلاحات مالی را که شامل مالیات‌های مربوط به کشاورزی، دامداری و تأمین نیروی نظامی بود به خود اختصاص می‌دادند.

واژه‌های کلیدی: اصطلاحات مالی، دیوان مالی، مالیات، صفویه.

مقدمه

نظام مالیاتی حکومت صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ق) عموماً در قالب یک کتابچه که آن را «دستورالعمل» می‌نامیدند، اعمال و اجرا می‌شد (لکههارت و جکسون، ۱۳۸۷: ۴۵۶). اگرچه این قانون‌نامه گاهی نیز مورد تجدیدنظر قرار می‌گرفت، اما باید گفت سیستم اداره مالی و اقتصادی عصر صفوی با اندکی تفاوت همان شیوه گذشته بود. در این ساختار اخذ مالیات از اقشار گوناگون جامعه یکی از اصول اساسی اقتصاد حکومتی بود. از جمله وظایف مهم تشکیلات دیوانی در عصر صفویه، مسائل مالی و امور مرتبط با درآمدها و مخارج مملکتی بود که در دیوان استیفا و زیر نظر مستوفی‌الممالک انجام می‌شد. در این دیوان دفاتر متعدد وجود داشت و کارمندان مسئول آن دفاتر، یک یا چند واحد معین اقتصادی را پوشش می‌-

دادند. آنان وظیفه داشتند مؤدیان و مستأجران مالیاتی را به دیوان احضار کرده و پس از رسیدگی به حساب‌های آنان، درآمدهای دولت را در دفاتر مخصوص ثبت و ضبط نمایند. پژوهش پیش رو قصد یافتن پاسخ به این پرسش‌ها را دارد که اصطلاحات مالی ایران عصر صفویه دارای چه کاربرد و جایگاه اقتصادی بودند؟ غالب اصطلاحات مالی در عصر صفویه به کدام گروه تعلق داشت و مهم‌ترین حوزه‌های آن کدام بودند؟

با توجه به وضعیت اقتصادی ایران دوره مورد بحث، که بر پایه سه بخش کشاورزی، دامداری و صنایع بنیان یافته بود، می‌توان ساختار اقتصادی آن عصر را نیز به سه بخش روستایی، عشایری و شهری تقسیم کرد. هریک از این ساخت‌های زیستی دارای زیرشاخه‌هایی در زمینه تولید و توزیع نیز بودند. مبنای اقتصاد روستایی کشاورزی بود. از این روی عمده‌ترین زمینه‌های اقتصادی و در نتیجه پرداخت مالیات نیز حول محور زمین و تولید محصول می‌چرخید. در گروه‌های اجتماعی کوچ‌نشین اساس تولید و پرداخت مالیات بر مبنای شمار دام‌ها بود. در اقتصاد شهری با توجه به حضور و فعالیت اصناف و پیشه‌وران و نیز با عنایت به سکونت دیوان‌سالاران و دیگر کارکنان حکومتی در شهر، کتابچه‌های مالیاتی از نظر اصطلاحات و واژگان مالی غنای بیشتری داشتند. به طور قطع اهمیت شناخت مفهوم و کاربرد اصطلاحات مالی عصر صفوی می‌تواند در فهم بهتر اوضاع اقتصادی آن دوران مؤثر باشد. زیرا آگاهی از جایگاه اجتماعی و نیز کاربرد اقتصادی هریک از این اصطلاحات به عنوان حلقه‌های یک زنجیره اقتصادی نقش بسزایی در به‌دست‌دادن یک تصویر جامع‌تر و کامل‌تر از ساختارها و شرایط اقتصادی و مالی اقشار و گروه‌های اجتماعی آن عصر دارد.

در باب ادبیات تحقیق و پیشینه پژوهش در این زمینه به‌رغم تلاش‌های ارزنده‌ای که در این باره شده، آنچه می‌توان اظهار نمود: «سیورغال در دوره صفویه توسط لمبتون در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (۱۹۹۵)»؛ بررسی ساختار و اجزای دفتر توجیحات در عصر صفوی توسط خسروبیگی و محبوب (۱۳۹۴)؛ نظام‌های مالیاتی در ایران اثر تقوی (۱۳۶۳) به چشم می‌خورد؛ اما پژوهش مستقلی در پیوند با موضوع موجود، که به این مسئله تاریخی پرداخته باشد، انجام نشده است.

۱. نگرشی بر نظام مالیاتی ایران دوره صفوی

تمرکز قدرت سیاسی در دست شاه و درباریان، انحصار منابع به ویژه بسترهای رشد و توسعه اقتصادی را به سود حکومت به همراه داشت. از این رو مداخله عمال حکومتی در امور دادوستد و دیگر فعالیت‌های اقتصادی بیانگر برنده بودن شاه، و دیگر وابستگان دستگاه سلطنتی در مناسبات اقتصادی بود (کریمی موعاری، خرمی مقدمی، ۱۳۹۴: ۱۵۸). از جمله نمودهای بارز احاطه بسیار دستگاه حکومتی بر سازوکارهای اقتصادی جامعه عصر صفوی، تعیین و وصول انواع مالیات و خراج از قشرهای گوناگون جامعه بود (تاج‌بخش، ۱۳۷۲: ۳۸۳). برطبق تعریف، مالیات به بخشی از دارایی افراد جامعه گفته می‌شد که براساس قانون به وسیله کارکنان دستگاه حکومتی از اقشار مختلف جامعه اخذ می‌گردید. چنین درآمدهایی به دو شکل جنسی و نقدی و تحت عناوینی چون کشاورزی، صنایع، خدمات، حق راهداری و گمرک و... گرفته می‌شد (تقوی، ۱۳۶۳: ۷). در عصر صفوی همچون ادوار پیش از آن شرایط سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی نقش مهمی در تعیین میزان مالیات‌ها داشت. هر ایالت براساس ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی خود علاوه بر اینکه مشمول پرداخت مالیات‌های معمول بود، می‌بایست به جهت برخورداری از برخی مواهب طبیعی مانند رودخانه و یا داشتن منابع و معادن و خاک حاصلخیز نوع دیگری از مالیات را نیزپردازد (پیگولوسکایا، ۱۳۵۴: ۵۲۸/۱).

پیچیدگی نظام مالیاتی این دوران توجه جهانگردان و سفرنامه‌نویسان آن عصر را نیز به خود معطوف کرده بود (شاردن، ۱۳۷۲: ۳/۳۱۵؛ کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۰۹). این سازمان مالی به دو بخش کلی «دیوان ممالک» و «دیوان خاصه» تقسیم می‌شد که بخش نخست تحت نظر مستوفی الممالک (خزانه‌دار مملکت) و دیگری به وسیله مستوفی خاصه اداره می‌گشت (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۷۱-۱۲۷۲/۳؛ نویدی، ۱۳۸۶: ۹۳). هر دو دفترخانه ممالک و خاصه می‌بایست زیر نظر وزیر اعظم (اعتمادالدوله) کار خود را انجام می‌دادند (نصیری، ۱۳۷۱: ۴۶؛ خسروبیگی و محبوب، ۱۳۹۴: ۳۴). همچنین تمام امور مربوط به درآمدها، هزینه‌ها، احکام مالی کشوری و لشکری و گزارش‌های تحویلداران، تحصیلداران، حکام و عمال دیوانی می‌بایست با صلاحدید و اعمال نظر وزیر اعظم انجام می‌پذیرفت (کمپفر، ۱۳۶۰: ۷۶؛ اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۳۲۴).

در مرتبه پایین تر از وزیراعظم، مستوفی الممالک قرار داشت که علاوه بر انتصاب مستوفیان ایالت، وظیفه نظارت بر محاسبات مالی منشیان، ضابطان و دیگر کارکنان دستگاه مالی حکومت را برعهده داشت (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۶۲/۳-۱۲۶۴؛ جکسون و لکهارت، ۱۳۸۰: ۱۶۴). منصب مستوفی خاصه در اواخر عهد صفوی ایجاد شد (مینورسکی، ۱۳۶۴: ۱۰۰-۱۰۱). این نهاد مالیاتی با نظارت مستوفی الممالک به انجام امور مالی اراضی خاصه (سلطنتی) می پرداخت (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۳۶-۳۴؛ ناصر امینی، ۱۳۴۶: ۱۰۵ و ۳۴). هر کدام از این دو دفترخانه (ممالک و خاصه) در پایتخت و ایالات دارای شعب و کارکنان، و سلسله مراتب شغلی بودند که با اسامی خاص خود مشخص می شدند (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۱۰؛ میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۳۶).

در میان مالیات دهندگان چهار گروه کشاورزان، اصناف و پیشه‌وران، تجار و بازرگانان و کوچ‌نشینان بیشترین سهم را در پرداخت مالیات داشتند. در این بین کشاورزان با کار کردن در زمین‌های خالصه، دولتی یا ممالک و وقفی بیشترین تعداد را به خود اختصاص می دادند (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۳۲/۳). از اصناف و پیشه‌وران علاوه بر مالیات موسوم به «بنیجه»، مالیات دیگری به نام «حوادث» گرفته می شد که بیشتر برای تأمین مخارج سفر سفیران و نمایندگان حکومتی مصرف می شد (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۴۸/۳؛ استودارت، ۱۳۳۹: ۱۸۶). در مواردی نیز پیشه‌وران و اصناف در ازای کار مجانی برای حکومت از پرداخت مالیات معاف می شدند (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۵۹۶). مالیات مربوط به راهداری و عوارض گمرکی نیز از جمله مهم‌ترین منابع درآمدی حکومت بود که بیشتر از طبقه تجار و بازرگانان اخذ می شد (فوران، ۱۳۷۷: ۶۲-۶۳؛ قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۷). قبایل و عشایر نیز در قبال استفاده از مراتع و چراگاه‌ها ملزم به پرداخت مالیات بودند که عمده‌ترین شکل اخذ مالیات از آنان مالیات احشام و نیروی جنگی بود (فوران، ۱۳۷۷: ۵۴؛ نعمانی، ۱۳۵۸: ۱۹۶).

۲. اصطلاحات مالی عصر صفوی

از خلال متون عصر صفوی می‌توان اصطلاحات و واژگان مالی مربوط به اقشار مختلف مردم را استخراج نمود. این واژگان اغلب در سه سطح و بستر زندگی اجتماعی و اقتصادی یعنی زیست شهری، روستایی و کوچ‌نشینی قابل طرح و بررسی هستند.

۲-۱- اصطلاحات مالیاتی شهری

اگرچه در دوره مورد بحث جمعیت شهرنشینان کمتر از گروه‌های روستایی و عشایری بود (فوران، ۱۳۷۷: ۶۵-۶۰) اما به جهت حضور سازمان‌ها و نهادهایی مانند دربار و دیوان-های محاسباتی مستوفیان مالی در شهرها می‌توان اصطلاحات مالی مرتبط با این نهادها را در ذیل بخش‌های اقتصادی و اجتماعی زیست شهری بررسی کرد. عامل مهم دیگر چنین روندی، مکان زندگی مستوفیان، منشیان، کاتبان، تحویلداران و دیگر کارکنان دستگاه مالیاتی بود. از این رو بخش قابل توجهی از اصطلاحات مالی به موضوعاتی چون حقوق و دستمزد، شغل و مرتبه‌ی شغلی، دفاتر و دیوان‌های مالی، هدایا و بخشش‌ها و امور گمرکی اختصاص یافته است. صاحب توجیه (رفیعا، ۱۳۴۶: ۷۶)، حکمی (فومنی، ۱۳۴۹: ۱۴۵)، بلوک‌باشی (وزیری، ۱۳۴۲: ۱۳۶) و ارباب‌تحویل (بردسیری، ۱۳۶۹: ۲۱۵-۲۱۶) چند نمونه از مشاغل و مناصب امور دیوانی و درباری شهری بودند که دستمزدهای مرتبط با آن‌ها در دیوان محاسبات مالی شهری مشخص، و رسید آن مواجب صادر می‌شد.

آنچه در این میان ذکر آن ضروری می‌نماید کاربرد برخی اصطلاحات در زمینه هزینه‌های درباری و تشریفات سلطنتی است که منشیان و ضابطان دستگاه مالی به آن‌ها نیز اشاره کرده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به اصل و اضافه (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۶۷)، برات مسلمی (فومنی، ۱۳۴۹: ۲۲۰) و جزو جمع (هینس، ۱۳۶۱: ۱۱۳) اشاره کرد. اصناف و پیشه‌وران شهری و دادوستدهای میان آنان با دیگر اقشار شهرنشین و غیرشهرنشین نیز دارای اصطلاحات مالی خود بودند. بنابراین بخش دیگری از دفاتر مالی عصر صفوی به انواع مالیات‌های مشاغل بزرگ و کوچک شهری توجه داشت. دارالسلخ (هنرفر، ۱۳۴۴: ۸۸-۹۰) و مال محترفه (آرنوا و اشرافیان، ۱۳۵۶: ۹۱) دو نمونه از چنین اصطلاحاتی هستند. دیگر گروه مورد نظر در این تقسیم‌بندی شهری، هزینه‌ها و مخارج مربوط به امور نظامی از قبیل دستمزدها، مواجب و امور نگاهداری دژها بود. در این زمینه نیز می‌توان به املاک اقطاعی (رفیعا، ۱۳۴۶: ۹۶) و کشیک قلعه (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۲۷) اشاره نمود. بر این اساس برای فهم بهتر اصطلاحات مالی شهری دوره صفوی، این واژگان و اصطلاحات در شش دسته دفتری و دیوانی، حقوق و دستمزد، درباری و تشریفاتی، اصناف و پیشه‌وران، امور نظامی و راهداری و گمرک مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۱-۱- اصطلاحات دیوانی و دفتری

این گروه از اصطلاحات عمدتاً توصیف و معرفی مشاغل دیوانی و انواع مالیات و استیفای آن را دربر می‌گرفتند. با توجه به اینکه دیوان محاسبات مالی کار تعیین و دریافت مالیات و همچنین پرداخت مواجب را انجام می‌داد، بنابراین بخش نسبتاً زیادی از اصطلاحات را نیز به خود اختصاص می‌داده است. مطالعه واژگان و اصطلاحات و نیز گستردگی حوزه عمل کارکنان این دیوان گویای وسعت و فراوانی بخش‌های مالیات‌دهنده و به تبع آن نهادهای مالیات‌گیرنده بود. با عنایت به ثبات حاکمیت سیاسی صفویان به‌ویژه از دوران شاه طهماسب اول، باید گفت دستگاه حکومتی نیز برای حفظ قدرت سیاسی و نظامی خود نیاز به صرف مخارج بیشتری داشت. بنابراین جای تعجب نیست که مشاغل مربوط به امور محاسباتی و مداخل آن‌ها بیشتر از گذشته شده بود. این مهم را می‌توان از بطن مفاهیم اصطلاحات پرکاربرد آن عصر استخراج نمود. «ابواب توجیها» نمونه‌ای از موارد یادشده است که به معنی جدولی شامل هزینه‌های سال گذشته همراه با رسیدها و قبوض ضمیمه‌شده آن مخارج بود که به دیوان مرکزی فرستاده می‌شد. لذا به گروه‌هایی که مالیات‌دهنده بوده و حکومت به مبالغ به‌دست‌آمده از مالیات آن گروه‌ها و اقشار چشم داشته، «ابواب جمع» می‌گفتند (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۶۷). همچنین در فاصله سال‌های ۱۶۵۸-۱۶۶۹م بخش ویژه‌ای تحت عنوان «اداره خلاصه» برای اطمینان از ثبت و ضبط همه درآمدها و هزینه‌ها و نیز جداسازی آن‌ها از سایر درآمدهای اضافی تأسیس شد (نویسی، ۱۳۶۳: ۷۶). چنین اقداماتی بیانگر نیاز روزافزون حکومت به محاسبه درآمدها و نظارت دقیق بر مخارج بود. یکی از مواردی که ضرورت چنین نظارتی را بیش از پیش آشکار می‌کرد درآمدهای حاصل از املاک گوناگون بود. املاک اقطاعی (خریداری‌شده)، احداثی (آبادشده) و اربابی (زمین بزرگ) و ارثی از جمله موارد امور خصوصی ثبت‌شده درباره زمین بودند که این اراضی از مهم‌ترین مقوله‌های درآمدزای حکومت برشمرده می‌شدند. زمینی که پس از پیروزی در جنگ به دست می‌آمد و صاحبان اولیه آن را رها کرده بودند، در دفاتر مالیاتی به نام «خالصه» ثبت می‌شد. «خالصه انتقالی» نیز زمینی بود که طی چندین سال با حق انتقال به وارث و بدون اجازه فروش به سوم شخص واگذار می‌شد. زمین‌های ضابطی که مانند املاک خالصه اداره می‌شد، «خالصه صونکی» خوانده می‌شد.

زمین‌های خالصه‌ای که درون و یا بیرون اصفهان بودند، به «خالصه محل» معروف بودند (بردسیری، ۱۳۶۹: ۲۴۴-۲۴۹).

در مورد اموال غیرنقدی نیز دستگاه مالی صفوی دقت نظر زیادی داشت. به حسابدارانی که مسئول نگهداری دفاتر دارایی‌های جنسی بودند و شمار آنان به طور معمول چهار نفر بود، «اوارجه‌نویس» می‌گفتند. این کارکنان در محلی به نام «اوارجه» یا پایگاه سرمایه مستقر بودند (رفیعا، ۱۳۴۶: ۹۰-۹۲). بنابراین اوارجه یکی از مراکز مهم اموال حکومتی برای مواقع مهم و حیاتی مانند قحطی و جنگ به شمار می‌رفت.

از دیگر اصطلاحات مهم مالی این دوران می‌توان به «بنیجه» یا «پنیچه» اشاره کرد. این واژه نام مالیاتی کلان و مستقیم بود که از یک گروه اجتماعی مانند اصناف یا دهکده و... اخذ می‌شد. اساساً مردم شهر، روستا و عشایر براساس بونیجه خاص خود تقسیم‌بندی و ارزیابی می‌شدند. بنیجه شهری اصناف، بنیجه روستا کشاورزی و مالیات نظامی، و بنیجه عشایری دام بود. سهمی از مالیات‌های اضافه چنین رسمی را «بونیجه اخراجات» می‌نامیدند (قائم مقامی، ۱۳۴۸: ۲۴). هر یک از این دسته‌بندی‌ها با زیرمجموعه‌های خود شمار قابل توجهی از کارکنان دستگاه مالیاتی را به خود مشغول می‌داشتند.

جدول زیر دربر گیرنده مجموعه‌ای از اصطلاحات مهم مالی استفاده‌شده در دفاتر مستوفیان و کاگزاران سازمان مالیاتی عصر صفویه می‌باشد. این اصطلاحات بسیاری از حوزه‌های شغلی سازمان یادشده به همراه وظایف و مسئولیت‌های کارکنان آن دیوان را دربر می‌گرفته است.

معنی	اصطلاح مالی
نیکوکار همیشگی و یاری رساننده در آبادانی	احسان سرمدی (سمسار، ۱۳۵۲: ۸۶)
کارکنان مواجب گیرنده از دیوان شاهی	ارباب تحویل (بردسیری، ۱۳۶۹: ۲۱۵-۲۱۶)
حقوق ارثی که در یک وظیفه دولتی ریشه داشت	استحقاق (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۶: ۱۸)
بررسی‌های اولیه مالیات	اصل جمع (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۶۷)
تمام مالیات اخذشده	اصل و اضافه (همان)
سهم جداشده از تمام مالیات گرفته‌شده.	اصل و تفاوت (همان)
ارزیابی مالیات نهایی	اصل (همان)
مسئول استیفای مالیات و اجرت کارکنان ضرب سکه	باجدار دارالضرب (آرنوا و اشرافیان، ۱۳۵۶: ۹۲)
مالیات سرانه	باش پولی (بردسیری، ۱۳۶۹: ۱۴۸)
سند معافیت از مالیات	برات مسلمی (فومنی، ۱۳۴۹: ۲۲۰)
سند پرداخت با محل صادر کننده مشخص	برات (رقم) مواجب (قائم‌مقامی، ۱۳۴۸: ۷۴-۷۵)

معنی	اصطلاح مالی
دارندگان سند پرداخت مواجب	برات خواران (قائم مقامی، همان: ۶۳)
محل بررسی مالیات‌های عقب افتاده	بقایا (فلور، ۱۳۹۵: ۱۱۴)
مالیات مربوط به ورود از دروازه شهر	بلدی (بردسیری، ۱۳۶۹: ۱۹۶)
رئیس یک ناحیه از شهر	بلوک باشی (وزیری، ۱۳۴۲: ۱۳۶)
سهم حکومت از محصول کشاورزی	بهره (فومنی، ۱۳۴۹: ۱۸۷)
خدمت رایگان به اربابان و کارکنان حکومتی	بیگار (بردسیری، ۱۳۶۹: ۱۲۳)
باجی که در پیش پای فرمانروا می‌نهادند	پا انداز (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۶۷)
زمین‌های خصوصی و یا زمین‌های دارای اجاره‌های بلندمدت	تصرف (بردسیری، ۱۳۶۹: ۳۴۱)
دفاتر بزرگ حسابرسی	جامع حساب (فومنی، ۱۳۴۹: ۲۴۶)
مجموعه طومارهای مالیاتی یک واحد معین	جزو جمع (هینس، ۱۳۶۱: ۱۱۳)
ستون سمت راست کتابچه مالیاتی	حشوی (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۲۱)
ستون سمت چپ کتابچه مالیاتی	موضوعی (فلور، ۱۳۹۵: ۳۷۷)
بخشودگی مالیات‌های شخصی	حصر (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۱۶)
مالیاتی که از حجاج اخذ می‌شد	حق الشریف یا درمه (بردسیری، ۱۳۶۹: ۱۱۸)
فرمان حکومتی مبنی بر اخذ مالیات	حکمی (فومنی، ۱۳۴۹: ۱۴۵)
مالیات‌های اضافی	خارج المال (نوابی، ۱۳۶۳: ۱۸۲)
مالیات خانه‌ها	خانه‌شمار (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۵۶)
مالیات ساخت خانه	خانه‌سازی (فلور، ۱۳۹۵: ۶۰)
اداره مرکزی مالیاتی یا دیوان شاهی	دفترخانه همایون (رفیعا، ۱۳۴۶: ۷۱)
دفتر ثبت تمام بخشودگی‌های مالیاتی	دفتر معافی و مسلمی و یساقی (بردسیری، ۱۳۶۹: ۱۳۱)
مالیات‌های افزون بر سهم اصلی مالیات	زوائد (فلور، ۱۳۹۵: ۶۷)
هزینه مجوز عبور یا مالیاتی که در ازای زدن مهر بر آن مجوز گرفته می‌شد	سرجواز (هنرفر، ۱۳۴۴: ۸۸-۹۰)
حسابدار بلند پایه دیوان	سررشته‌دار (گلستانه، ۲۵۳۶: ۳۰۶)
رئیس گمرک بندرعباس	شاه بندر (آصف، ۱۳۴۸: ۱۵۶)
رئیس اداره توجیه یا سازمان پرداخت اسناد مواجب	صاحب توجیه (رفیعا، ۱۳۴۶: ۷۶)
کارمند مسئول جمع آوری دستمزد کارکنان	وکیل (همان: ۱۱۶)
رئیس کارمندان دون پایه	عزب‌باشی (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۶: ۲۹-۳۱)
پرداخت مالیات‌های اضافی	عوارض (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۱۳)
یک صفحه گزارش مالیاتی از یک واحد معین مالیاتی	فرد (بردسیری، ۱۳۶۹: ۱۷۴)
رسید مالیات	قبض (منجم، ۱۳۶۶: ۱۷۸)
اقامتگاه موقت حکومتی برای کارمندان و فرستادگان حکومتی و سپاهی	قونالغا (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۵۶)
پولی که ارباب یا مالک از رعیت می‌گرفت	مالکانه (فومنی، ۱۳۴۹: ۲۸۵)
مقدار درآمد مالیاتی پس از ارزیابی نهایی	مالیات الاصل (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۴۸)
مقام دیوانی میان پایه	متصدی (مشرف) (فومنی، ۱۳۴۹: ۴۲)
ارزیاب زمین	مساح (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۱۴۲)
شیوه‌ای از ارزیابی زمین	مساحه (فلور، ۱۳۹۵: ۱۸۴)
پیش پرداخت مالیات‌ها	مساعده (لمبتون، ۱۳۷۷: ۱۱۷)
بخشودگی مالیاتی	مستثنی (فلور، ۱۳۹۵: ۲۸)
حسابدار مسئول املاک شاهی	مستوفی خاصه (رفیعا، ۱۳۴۶: ۵۴ و ۶۳)
رسید تسویه حساب مالیاتی	مفصلا (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۲۱)
ارزیاب مالیاتی	ممیز (فلور، ۱۳۹۵: ۱۱۴)
مهری که پس از گرفتن مالیات بر کالاها زده می‌شد	مهر تمغا (همان: ۲۱۳)

در باب مشاغل مهم دستگاه مالی در شهر نیز می‌توان به موارد قابل توجهی در زمینه چگونگی سازمان‌بندی مشاغل اشاره کرد. «داروغه دفترخانه»، یکی از کارکنان دیوان بود که وظیفه داشت بر امور اداری و روابط کارمندان پایین مرتبه دیوان نظارت نماید و در صورت لزوم اختلاف میان آنان را حل و فصل کند. وی همچنین اختیارات مجازات کارمندان خاطی را دارا بود (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۶۹-۱۲۷۰/۳؛ ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۲۰/۶).

در این بین، دفاتر و مجموعه‌های یادداشتی کارکنان نیز دارای اسامی و کاربرد ویژه‌ای بودند. «دستورالعمل» به مجموعه قوانین حوزه امارت یک فرماندار در جهت تعیین میزان مالیات گفته می‌شد (فومنی، ۱۳۴۹: ۴۲). «دفتر تحویلات» دفتر مخصوص ثبت هزینه‌های بیوتات سلطنتی و کارهای ساختمانی آن‌ها بود. کار «دفتر توجیه» نیز ثبت هزینه‌های دیوان بود. دفتر نگارش درآمدها و هزینه‌ها در پایان سال در هر چهار اداره اوارجه، توجیه، ارباب تحویل، و مفرده «دفتر جمع» نامیده می‌شد (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۱۷/۶). «دفتر معروضه» نیز دفتر مخصوص درآمدها و هزینه‌های کشور بود. به احتمال زیاد این دفتر خلاصه‌شده دفتر جمع بوده است. نگارش مفصل درآمدهای هر شهر، ناحیه و ولایت در «دفتر مفردات» انجام می‌شد. (فلور، ۱۳۹۵: ۱۵۲).

آنچه سبب می‌شد مالیات‌ها از مبالغ معمول مقداری بیشتر شوند، رسم سهم‌داشتن افراد و مناصب بود. به طور مثال «شریک» یا «شریک جمع» اصطلاحی بود که به سهم‌داران در مالیات از مرتبه دهقان به بالاتر می‌گفتند. برخی از مالیات‌ها نیز غیرقانونی و به صورت اضافه از مردم اخذ می‌شد که آن‌ها را «شلتاقات» می‌نامیدند (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۳۵۸). «ضابطه‌نویس» یا «مفرده‌نویس» یکی از کارمندان عالی‌رتبه دیوان بود که دفترهای تمام سرمایه‌های نقدی را در اختیار داشت. «عوض تیول» بدان معنی بود که صاحب تیول در قبال اداره تیول و درآمدهای آن، پرداخت نقدی به حکومت داشته باشد (رفیعا، ۱۳۴۶: ۹۳).

امور مربوط به درآمدهای املاک وقف‌شده نیز در دفاتر دیوانی شهری ثبت و بررسی می‌شد و اساساً دو گونه وقف «معینه» و «موسعه» در دفاتر مالیاتی وجود داشت. وقف معینه به معنی نظارت شخص نیکوکار در امور هزینه‌ها و مخارج بود، اما در وقف موسعه، شخص نیکوکار بر هیچ‌یک از بهره‌وران نظارتی نمی‌کرد (فلور، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

۲-۱-۲- اصطلاحات حق الزحمه‌ها و دستمزدهای دیوانی

دستمزدها و مواجب کارگزاران دیوان، بخش دیگری از اصطلاحات مالی تشکیلات دیوانی را تشکیل می‌داد. انواع گوناگونی از دستمزدها و مواجب کارکنان و بلندپایگان لشکری و کشوری در دفاتر مالی به ثبت رسیده است که نشان‌دهنده فعالیت گسترده مستوفیان مالیاتی و کارمندان بخش مالی دیوان در جامعه می‌باشد. این دستمزدها عمدتاً به دو صورت نقدی و یا به شکل اجناس گرفته و پرداخت می‌شد. تنخواه مواجب (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۵۲)، حق الاوارجه (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۶/ ۲۰)، حق التولیه (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۵۲)، زر کوچه (فومنی، ۱۳۴۹: ۷۰) و قابضانه (فومنی، ۱۳۴۹: ۹۴) چند نمونه از مواجب نقدی کارکنان بودند. از دستمزدهایی که به صورت اجناس و یا حق بهره‌برداری از عایدات یک زمین یا موقعیت به کارگزاران داده می‌شد نیز می‌توان به الکا (سمسار، ۱۳۵۲: ۸۰)، تیول استصوابی (لمبتون، ۱۳۷۷: ۱۲۴) و شش ماهه تیول (فومنی، ۱۳۴۹: ۷۰) اشاره کرد. گاهی نیز برخی مواجب به دو صورت نقدی و جنسی همزمان پرداخت می‌شد. الام (راهنمایی) (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۱۶)، جو (فلور، ۱۳۹۵: ۶۵۲) و مرغ (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۵۸) در زمره چنین دستمزدهایی قرار می‌گرفتند. برای پرهیز از شیوه نگارش یکنواخت و همچنین برای ارتباط بهتر با موضوع، اصطلاحات مالی مختص دستمزدها به صورت جدول تنظیم شده است. با نگاهی گذرا به جدول ذیل می‌توان به مشاغل مختلف و نحوه خدمت صاحبان آن مشاغل آگاهی یافت. همچنین حوزه فعالیت و گروه‌های اجتماعی که کارکنان دیوان به واسطه شغل خود با آنان در تعامل بوده‌اند نیز قابل تشخیص و تفکیک می‌باشد.

اصطلاح	معنی
احداث (هترفر، ۱۳۴۴: ۸۸-۹۰)	دستمزد افسران داروغه شهر
الام (راهنمایی) (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۱۶)	مالیات جنسی و یا نقدی برای پرداخت به کارکنان و فرستادگان دیوانی
الکا (سمسار، ۱۳۵۲: ۸۰)	واگذاری درآمد یک ناحیه به یک شخص
بدرقه (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۵۹)	آذوقه نقدی و جنسی برای کاروان مأموران و فرستادگان دیوانی
تصرفات (شیرازی، ۱۳۶۹: ۶۰)	دستمزد جمع کنندگان مالیات
تقیلات (لمبتون، ۱۳۷۷: ۴۴۱)	پیش‌پرداخت جهت آسان نمودن ارزیابی و اخذ مالیات
تنخواه مواجب (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۵۲)	دستمزد نقدی
تنخواه همه‌ساله (شیرازی، ۱۳۶۹: ۶۰)	دستمزد سالانه و نقدی
تیول (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۵۷-۱۵۸)	بخشش موقت و یا مادام‌العمر زمین و درآمدی ناحیه
تیول استصوابی (لمبتون، ۱۳۷۷: ۱۲۴)	واگذاری زمین به شخص در ازای انجام وظیفه

اصطلاح	معنی
جو (فلور، ۱۳۹۵: ۶۵۲)	پرداخت نقدی و جنسی به کارمندان
حق الارض (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۵۶-۱۵۷)	دستمزد تمبر خاکسپاری
حق الاوارجه (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۲۰/۶)	دستمزد خدمت کارکنان اداره اوارجه
حق التولیه (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۵۲)	دستمزد متولی و مسئول امور دیوانی
حق السعی (قره‌خانی، ۱۳۵۳: ۱۲۲)	دستمزد محاسبه مجدد امور مالی توسط کارمندان
حق السعی عمال (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۵۲)	پاداش کارکنان ممتاز دیوانی
حق القرار (بردسیری، ۱۳۶۹: ۴۲۳)	دستمزد مالیات‌گیرنده از حکومت
حق النظاره (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۵۲)	دستمزد ناظر یا مباشر
حق النقابه (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۲۰/۶)	دستمزد نقیب یا دستیار کلانتر در اداره امور درویش
حوالچی عمال (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۳۷)	میزان پرداختی به کارمندان دیوانی
خرج حاکم (همان: ۱۱۳)	دستمزد فرماندار
دارالضرب (هنرفر، ۱۳۴۴: ۸۸-۹۰)	مالیات مربوط به دستمزد کارکنان کارگاه ضرب سکه
دوشلک (رفیعا، ۱۳۴۶: ۷۸)	موجب کارمندان بلندپایه دفترخانه دیوان
رسم حساب (همان: ۹۸)	دستمزدی که مستوفی پس از تأیید حساب مالیات‌دهنده دریافت می‌کرد
رسم المهر الهمایون (همان: ۹۰)	دستمزد نگهدارنده مهر شاهی
رسم شکارباشی (همان: ۱۵۸)	دستمزد میرشکارگاه
رسم ملکی (بردسیری، ۱۳۶۹: ۳۲۳)	دستمزد مالک یا ارباب
رسم الاستیفا (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۵۲)	مالیاتی که صرف تأمین دستمزد مستوفی الممالک می‌شد
رسم الانشاء (همان: ۱۲۳)	مالیاتی که برای تأمین دستمزد منشیان دیوان اخذ می‌شد
رسم التحریر (والمفاصحا) (همان: ۹۰)	دستمزد نوشتن رسید پرداخت مالیات‌ها
رسم التحصیل (همان)	دستمزدی که محصلان مالیاتی علاوه بر حق‌القرار آن را از مردم طلب می‌کردند.
رسم الوزاره (همان: ۱۵۲)	دستمزد خدمت وزیر
رسم الوکاله (فومنی، ۱۳۴۹: ۷۰)	دستمزد خدمت وکیل یا نایب‌السلطنه
رسم کلانتری (رفیعا، ۱۳۴۶: ۹۰)	دستمزد منصب کلانتر یا شهردار شهر
رسم ایتبای (همان: ۱۵۲)	دستمزد امور تشریفاتی مانند ارزیابی سکه‌ها، گورهاها و امور مربوط به دادوستد
زر (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۲۰/۶)	دستمزد ضرب سکه
زرشاهلیق (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۵۲)	پرداخت سالیانه تیول‌داران به شاه به نشانه فرمانبرداری
زر کوچ (فومنی، ۱۳۴۹: ۷۰)	دستمزدی که میر شب می‌گرفت
سالیانه (فلور، ۱۳۹۵: ۳۸۵)	موجب سالیانه
شروط (رفیعا، ۱۳۴۶: ۹۰)	دستمزد مأموران ناظر بر بازار
شش ماهه تیول (فومنی، ۱۳۴۹: ۷۰)	واگذاری درآمدهای یک منطقه به مدت شش ماه
عسس (رفیعا، ۱۳۴۶: ۸۳)	دستمزد نگهبانان شهر زیر نظر داروغه
عملات (همان: ۱۴۹)	دستمزد کارمندان گمرک
قایضانه (همان: ۹۴)	دستمزد امضای قبض‌دهنده
قورچیگری (همان: ۸۳)	دستمزد نگهبانان مناطق حفاظت‌شده
کرایه الاغ (همان: ۹۰)	هزینه آمدورفت کارمندان مالیاتی واردشده به دیوان شاهی
کاه (علف خشک) (فومنی، ۱۳۴۹: ۶۸)	پرداختی نقدی و جنسی به کارمندان حکومت
محصلانه (رسم التحصیل) (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۲۸)	دستمزد اضافی دیگری برای جمع‌کنندگان مالیات بابت نوشتن رسید
مداخل (همان: ۱۱۲)	گونه‌ای از دستمزدهای کارمندان حکومتی
مددخرج (همان: ۱۸۳)	مساعده و یا کمک هزینه کارکنان دیوان

اصطلاح	معنی
مرسوم (فومنی، ۱۳۴۹: ۷۰)	موجب و کمک‌هزینه نقدی
مرغ (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۵۸)	نوعی دستمزد که به صورت جنسی (مرغ) و یا نقدی به کارکنان پرداخت می‌شد
منالانه (همان: ۱۲۰)	دستمزد جمع‌آوری مالیات از مزرعه
منکسر فلوس و شاهی (همان)	دستمزد خرد کردن پول
موجب (فلور، ۱۳۹۵: ۷۰)	حقوق نقد یا پرداخت سالانه
موجب همه‌ساله (همان)	حقوق نقد در مدتی که شخص صاحب‌منصب بوده باشد
مهر دفن موتی (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۵۶-۱۵۷)	دستمزد مهر خاکسپاری
میزان‌دار (فلور، ۱۳۹۵: ۵۰۳)	دستمزد مسئول وزن کالاهای وارد شونده به بازار
ناظرانه (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۲۷)	دستمزد ناظر رسیدهای مالیاتی

۲-۱-۳- اصطلاحات مالی درباری و تشریفاتی

از آنجا که انجام امور مربوط به دربار شاهی و کارهای کوچک و بزرگ بارگاه سلطنتی نیاز به صرف هزینه‌های نسبتاً زیاد از خزانه حکومتی داشت، لذا مأمورانی از دیوان مالی نیز وظیفه تعیین و آماده‌نمودن دفاتر این مخارج بودند. از این رو بخشی از مهم‌ترین اصطلاحات مالی مربوط به امور تشریفات درباری و دیگر اقدامات مرتبط با بارگاه سلطنتی در دفاتر دیوان‌های مالی حکومت به ثبت می‌رسید.

در میان اصطلاحات موجود در این دفاتر، واژگانی با بار معنایی هدیه و پیشکش بیش از بسیاری دیگر از واژگان به چشم می‌خورد. طبیعتاً چنین امری به سبب روابط حاکم بر فضای درباری بود که ایجاب می‌کرد افراد برای حفظ جایگاه خود و نیز دور نگه داشتن رقبا از سعایت، به طور دائم هدایایی را به بلندپایگان خود، امرا و وزرای درباری اهدا کنند. سوغاتی‌ها و هدایایی را که به صورت نقد و یا جنس به بلندپایگان اهدا می‌شد، «ارمغان» می‌نامیدند. اما «انعام» بخشش‌های همیشگی یا موقتی بود. «انفاد» نیز به کالاهایی گفته می‌شد که وزیران و یا کارمندان مالیات به دربار می‌فرستادند و هریک از کارمندان دربار بنابر پایگاه و جایگاه خود از آن هدایا سهمی می‌بردند (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۶۸-۷۲؛ فومنی، ۱۳۴۹: ۴۲).

گونه‌ای دیگر از مالیات درباری وجود داشت که بیشتر در نواحی شمالی ایران مرسوم بود. این مالیات با نام «بارخانه» در شکل‌های مختلفی به دربار فرستاده می‌شد. در مواقعی نیز فرماندار می‌بایست رهاوردی از بهترین فرآورده ولایت خود به دربار بفرستد. در سطح

کوچک تر زیردستان فرماندار از محل مورد تصدی خود ناگزیر بودند رهاوردی برای فرماندار تهیه و روانه نمایند. گاهی نیز اجاره اضافی که دهقانان به شکل میوه، ماکیان، پنیر، سوخت و مانند آن به اربابان خود پرداخت می کردند، به عنوان هدیه در نظر گرفته می شد (رفیعا، ۱۳۴۶: ۴۲).

در سال نو هدایایی به خان‌ها، فرمانداران و شاه داده می شد که آن را «بیرم‌لیک» می نامیدند (فلور، ۱۳۹۵: ۵۵۰). مجموع این هدایا را که در آغاز سال جدید به صورت نقدی و یا جنسی داده می شد «عیدی» می گفتند. تحفه‌هایی نیز به صورت سالانه از سوی فرمانداران به شاه و وزیر بزرگ اهدا می شد. این «پیشکش‌ها» به نشانه قدردانی فرماندار به جهت به کارگماری دوباره وی در آن منصب بود. گاهی نیز کارمندان دون پایه به کارمندان بلند پایه خود پیشکش‌هایی می دادند تا در شغل خود ابقا شوند. به این پیشکش‌ها که به صورت نقدی و یا جنسی بود، «تحف» گفته می شد (فلور، ۱۳۹۵: ۵۵۱). البته شایان ذکر است که اغلب دو اصطلاح پیشکش و نروزی برای این تقدیمی‌ها به کار برده می شد. دیگر اصطلاحات دفاتر مالی مربوط به دربار نیز حول محور برخورداری کارگزاران درباری از مواهب شغلی خود می چرخید. آنان به مناسبت‌های مختلف می بایست مقداری از دارایی خود را صرف راضی نمودن اطرافیان و جلوگیری از سخن پراکنی آنان کنند. «چراغانی» اصطلاحی بود که برای مالیات‌های اخذ شده از یک پیشامد خوب مانند صاحب فرزند شدن و یا ختنه سوران به کار می رفت (الیاریوس، ۱۳۶۳: ۵۵۲). گاهی نیز مردم بار چنین اقداماتی را بر دوش می کشیدند و ناگزیر از پرداخت مبالغی برای تأمین هدایا برای بزرگان می شدند. «سلامی» و «سواری» نیز دو اصطلاح مربوط به اخذ عوارض برای تأمین پیشکش‌های شاهانه بودند. در این راستا از هر خانوار مالیاتی «شش دیناری» گرفته می شد (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۶۷). تأمین آذوقه شاه، فرمانداران، کارمندان و یا لشکریان هنگام سفر در کشور را می توان از اصطلاح «سیورسات» دریافت نمود. به مأموران جمع آوری کننده این آذوقه‌ها «سیورسات‌چیان» می گفتند (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۱۹). «سیورغال» در آغاز به معنای عنایت یا پاداش شاهانه بود، اما اندک اندک معنی واگذاری زمین معاف از مالیات، و مصون از دخالت قضایی و کارگزاران حکومت از سوی شاه به زیردستان را به خود گرفت. عوارضی نیز برای تأمین مخارج جشن‌ها از مردم گرفته می شد که آن را «شیلان بها» می نامیدند (همان: ۹۶).

«صرف مسجد» نامی بود که برای تأمین مخارج و روشن کردن مقبره امام رضا(ع) در مشهد و یا مقابر شاهان در قم اخذ می‌شد (فلور، ۱۳۹۵: ۳۸۵). اصطلاح «گرک عراق» که به معنای کارپرداز و مسئول انجام کاری بود در این حیظه نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. بدین صورت که نمایندگان و مسئولان جمع‌آوری و ارسال کالاهای انفاذی به دربار، «گرک عراق» یا فراهم‌کننده نامیده می‌شدند (فلور، ۱۳۹۵: ۶۵۲). مبالغی از سوی حکومت به برخی گروه‌های اجتماعی مانند عالمان، سادات و پناهندگان داده می‌شد که آن را «مقرری» می‌خواندند (وزیری، ۱۳۵۴: ۱۷۶).

از دیگر واژگان دفاتر مالی دربار، امور مربوط به نمایندگان دول خارجی بود. به کارمندان فراهم‌کننده خوراک، چارپا و محل اقامت مهمانان بیگانه «مهماندار»، و چنین رسمی را «مهمانه» می‌گفتند (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۲۰/۶). سرپیشخدمت و مدیر نظارت بر خاندان شاهی و کارگاه‌های شاهی نیز «ناظر بیوتات» نامیده می‌شد (همان).

۲-۱-۴- اصطلاحات مالی اصناف

سهم قابل توجهی از مالیات‌های واریزی به خزانه حکومتی از محل درآمدهای مربوط به اصناف و پیشه‌وران شهری تأمین می‌شد. این مالیات‌ها در سطح کلان (مشاغل بزرگ و عمده‌فروشان) و خرد (دست‌فروشان) اخذ می‌شد.

یکی از مهم‌ترین منابع درآمد مالیاتی حکومت از محل مالیات‌های مربوط به بازرگانی و تجارت بود. تجار برای صادرات و واردات کالاهای اروپایی می‌بایست «جواز» مخصوصی تهیه کرده، تا دیگر ناگزیر از پرداخت عوارض اضافی نباشند. همچنین مالیات‌هایی نیز بر صنایع و کارگاه‌های تولیدی بسته به نوع محصول آن‌ها تعیین می‌شد. از این رهگذر می‌توان به «جولاه» اشاره نمود. مالیات کارگاه‌های بافندگی را «جولاه» می‌نامیدند (رفیعا، ۱۳۴۶: ۵۸؛ فومنی، ۱۳۴۹: ۵۰). این نوع مالیات در گیلان به سبب وجود کارگاه‌های فراوان، معمول‌تر بود. در هر ناحیه یا شهر براساس شرایط اقتصادی و وجود منابع، مالیات‌ها متفاوت بود. به طور مثال در گرگان (استرآباد) مالیاتی موسوم به «چهارده یکی» از اصناف گرفته می‌شد (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۳۳/۶).

در سطح اجتماع و در میان بخش‌های مختلف بازار نیز مأمورانی برای اخذ مالیات مشغول به کار بودند. واژگان مالیاتی این بخش از ساختار اقتصادی جامعه نشان‌دهنده ارزش مهم درآمدهای مالیاتی برای حکومت در دوره مورد بحث می‌باشد. به طوری که از کوچک‌ترین حوزه تجاری نیز مالیاتی اخذ می‌گشت. آفتاب‌نشین اصطلاحی بود که مأموران مالیاتی و دیگر افراد جامعه به فروشندگان کنار معابر عمومی اطلاق می‌کردند. مالیات از همه مشاغل و پیشه‌ها حتی از روسپی‌خانه‌ها گرفته می‌شد. چنین مالیاتی تحت عنوان عمومی «باج یا تمغا» شناخته می‌شد (الیاریوس، ۱۳۶۳: ۶۶۹). در محل دادوستد کالاهای دست دوم نیز مأموران مالیاتی حضور داشتند و از فروشندگان خراجی به نام «بازار خلقانی» که یک مالیات محلی بود طلب می‌کردند (فلور، ۱۳۹۵: ۶۴۸). در هر راسته از بازار که کالایی خاص خرید و فروش می‌شد، فروشندگان آن کالا براساس میزان دادوستد و درآمد خود ملزم به پرداخت مالیات بودند. به طور مثال در بازار مرغ، یک نوع مالیات بومی مرسوم بود که مستوفیان مالیاتی آن را به صورت نقدی یا جنسی از کسبه دریافت می‌کردند. نوعی دیگر از مالیات نیز در بازار رایج بود که به مالیات بازدید از تولیدات و فرآورده‌ها معروف بود. گاهی نیز بهای اجناس در بازار به طور عمد پایین می‌آمد که از آن به «تفاوت تسعیر» یاد می‌کردند (همان: ۶۶۷).

برخی دیگر از اصطلاحات مالی ویژه اصناف در جدول ذیل گرد آمده است.

اصطلاح	معنی
بیع‌الحلیج (هنر فر، ۱۳۴۴: ۱۵۴-۱۵۵)	مالیات عمومی پنبه
بیع‌الحوانج (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۵۷)	مالیات محلی فروش نیازمندی‌های زندگی
تمغای قماش (هنر فر، ۱۳۴۴: ۸۸-۹۰)	مالیات نقدی پارچه
توجیه (رفیعا، ۱۳۴۶: ۹۴)	پرداخت نقدی مالیات توسط اصناف
حق‌الاحتساب (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۶/۲۰)	دستمزد خدمت بازرس بازار
دارالسلخ (هنر فر، ۱۳۴۴: ۸۸-۹۰)	مالیات کشتارگاه
سوق‌الدواب (همان)	مالیات محلی بازار حیوانات
مال محترفه (آرنوا و اشرفیان، ۱۳۵۶: ۹۱)	مالیات صنف
مدد خرج مهمان (شاردن، ۱۳۷۲ ج ۳: ۱۷۰)	مالیات اصناف برای کارمندان حکومتی

۲-۱-۵- اصطلاحات مالی لشکری و نظامی

اصطلاحات مالی مربوط به لشکر و سپاه بیشتر درباره مسائلی چون حقوق و دستمزد، و هزینه‌های اقدامات نظامی بوده است. همچون سده‌های گذشته به سران سپاه و امرای بلندپایه زمین‌هایی داده می‌شد که از محل درآمدهای آن می‌توانستند هزینه‌های زندگی خود را تأمین کنند. این املاک در دفترهای مالی به نام «اقطاع» ثبت می‌شد (رفیعا، ۱۳۴۶: ۹۶). نوع دیگری از ثبت زمین در این دفاتر وجود داشت که مختص املاک تصرف‌شده‌ی دشمنان بود. این زمین‌ها با نام «املاک مخالفین» در جامعه شناخته می‌شد (بردسیری، ۱۳۶۹: ۲۳۸). هزینه نگهداری از دژها را اخراجات (زر) قلعه (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۶/۲۰) و موجب سربازان چنین کاری را کشیک‌قلعه (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۲۷) می‌نامیدند. اما باید گفت بیشترین اصطلاحات مالی دستگاه نظامی دوران صفویه مربوط به امور سربازان و نیروهای جنگی بود. تفنگ‌چی یا جارویساق یا سربازانی که می‌بایست برای سپاهیگری فراهم می‌شدند (رفیعا، ۱۳۴۶: ۹۵)، چریک و ایلجاری یا سربازان چریک و گروه‌های نظامی نامنظم (همان: ۱۱۲)، سربازان تقسیم یا سربازانی که به عنوان بخشی از مالیات بنیجه به کار گرفته می‌شدند (همان: ۹۴)، علوفه یا آذوقه کارمندان و سربازان (بردسیری، ۱۳۶۹: ۵۵۰) و سرخط‌نویس یا مستوفی یا مسئول امور مالی لشکر (قائم‌مقامی، ۱۳۴۸: ۲۸-۲۹) در زمره این تقسیم‌بندی قرار داشتند.

۲-۱-۶- اصطلاحات مالی راهداری و گمرک

مالیات‌هایی نیز برای ساخت، تعمیر و حراست از راه‌های ارتباطی گرفته می‌شد. این مالیات‌ها براساس قوانینی چون هزینه نگهداری و ایجاد راه‌های درون و برون‌شهری، انواع عوارض گمرکی، پول‌هایی که راهبانان و خوانین ساکن در مسیر، که به زور از رهگذران می‌گرفتند، مالیات‌های منطبق بر تعداد چهارپا و بار آن، و... گرفته می‌شد. باید گفت از آنجا که سلامت راه‌ها از نظر مسیر تردد و امنیت آن لازمه رونق آمدن و رشد بازرگانان و در نتیجه پیشرفت اقتصادی ایالات و کشور بود، بنابراین تأکید و توجه دولت بر حفظ و آبادانی راه‌ها نیز بیشتر بود.

راهداران معمولاً در حساس‌ترین نقطه راه در بیرون از شهرها و روستاها مستقر بودند. کاروانسراه‌های بین‌راهی، پل‌ها، گردنه‌ها و تنگه‌ها محل‌های استقرار آنان بود. گفتنی است عوارض راهداری در عصر صفویه به روش ویژه‌ای محاسبه و دریافت می‌شد. مبنای این محاسبه دو چیز بود: واحد بار یک رأس چارپای بارکش به علاوه نوع جنس آن واحد بار. (صادقی، ۱۳۷۸: ۸۴-۸۶). علاوه بر آن از مسافرانی که مال‌التجاره‌ای نداشتند نیز براساس هر نفر مبلغی تحت عنوان عوارض راهداری اخذ می‌شد (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۳۵). از طرفی جنس بارها نیز در میزان عوارض تأثیرگذار بود. عموماً بار چهارپایان را به سه دسته کلی بار شتر، بار استر (قاطر) و بار الاغ تقسیم می‌کردند (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۶۱۰). میزان عوارض راهداری هر بار شتر دو برابر مالیات هر بار استر بود و از هر بار استر دو برابر هر بار الاغ مالیات گرفته می‌شد. این تفاوت به دلیل تفاوت در قدرت بارکشی حیوانات ذکر شده به وجود می‌آمد. بارها نیز به سه دسته مواد خوراکی (مأكولات)، منسوجات (اقمشه) و سایر اجناس که جزو دو دسته نخست نبودند و به نام سقط یا سقطبار خوانده می‌شدند، تقسیم می‌شدند (صادقی، ۱۳۷۸: ۸۵-۸۶). از کالاهای خوارکی عوارضی دریافت نمی‌شد اما میزان مالیات منسوجات دو برابر مالیات سقطبار بود (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۶۱۰ و ۳۸۹) و این دسته‌بندی در مجموع میزان مالیات‌ها را تعیین می‌کرد.

معنی	اصطلاح
مالیات ساخت و نگهداری راه	باج راه (هنرفر، ۱۳۴۴: ۱۵۴)
مالیات راه‌های درون‌شهری	باج شوارع (همان)
عوارض گمرکی	خروج (همان)
گونه‌ای از عوارض گمرکی	عشور (همان)
پول‌هایی که راهبانان و خان‌های قبایل به زور از عابران می‌گرفتند	علفی (همان)
مالیات گمرکی	غیر حکمی (همان)
راهبانان	قره‌سواران (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۶ / ۲۰)
مالیاتی که برطبق آن از هر بار شتر ۴۰۰ دینار و از هر بار قاطر ۲۰۰ دینار گرفته می‌شد	کوتواری (قائم‌مقامی، ۱۳۴۸: ۴۹)
جمع‌آوری کمک‌های نقدی و جنسی برای بازسازی راه‌ها	راه تراشی (هنرفر، ۱۳۴۴: ۱۵۶)
اجاره‌دهنده مالیات راه	راهدارباشی (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۱ / ۶)
مالیاتی که از رهگذران با احتساب تعداد شتران، قاطران و دیگر چارپایان‌شان گرفته می‌شد	راهداری (همان)

۳. روستایی

عمده‌ترین مالیاتی که از روستاییان گرفته می‌شد، مالیات‌های مربوط به زمین‌های کشاورزی بود. یک کشاورز ناچار بود علاوه بر مالیات زمین، مبالغی نیز برای ارباب، ارزیاب محصول، مباشر ارباب در رسیدگی به امور کشاورزان، مالیات آسیاب و انواعی از مالیات‌های یکنواخت را نیز بپردازد. بنابراین عملاً مقدار اندکی از محصول برای او باقی می‌ماند. در دوره صفوی کشاورزان یا زمین مزروعی را اجاره می‌کردند و یا با مالک شریک می‌شدند (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۳۴/۳). تقسیم محصول نیز همچون گذشته با رعایت پنج عامل زمین، آب، گاو، بذر و کار معمول بود. در صورت دیم‌بودن کار زراعت محصول به چهار قسمت تقسیم می‌شد (تاج‌بخش، ۱۳۷۲: ۳۷۰-۳۷۱؛ ناصر امینی، ۱۳۴۶: ۶۹). بدین ترتیب سهم دولت اعم از مالک، حاکم، مستوفی و شاه مقدار قابل توجهی بود. از دیگر وظایف روستاییان در قبال حکومت و در قالب مالیات، تأمین نیروی نظامی بود که در شکل مالیات بنیجه تعیین و اخذ می‌گردید. جدول زیر برخی از مهم‌ترین مالیات‌های یک زندگی روستایی در عصر صفوی را به تصویر می‌کشد.

اصطلاح	معنی
اتباش (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۳۴/۳)	مالیات دام‌های خانگی
اجرت‌المثل (فومنی، ۱۳۴۹: ۸۲)	دستمزد ارباب
پای گاوانه (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲۳۴/۳)	مالیات خانوارهای دارای دام (گاو)
جهات (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۲۴)	مالیات‌های جنسی مرتبط با زمین
حقابه (همان: ۸۳)	سهمی از آب نهر یا قنات
دو عشر (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۵۵-۱۶۱)	مالیات یکنواخت محصولات کشاورزی که علاوه بر مالیات‌های دیگر می‌بایست پرداخت شود.
ده نیم (همان)	مالیات یکنواخت محصولات کشاورزی که علاوه بر مالیات‌های دیگر می‌بایست پرداخت شود.
ده یک (همان)	مالیات یکنواخت محصولات کشاورزی که علاوه بر مالیات‌های دیگر می‌بایست پرداخت شود.
ده یک و نیم (همان)	مالیات یکنواخت محصولات کشاورزی که علاوه بر مالیات‌های دیگر می‌بایست پرداخت شود.
صد چهار (همان)	مالیات یکنواخت محصولات کشاورزی که علاوه بر مالیات‌های دیگر می‌بایست پرداخت شود.
صد یک (همان)	مالیات یکنواخت محصولات کشاورزی که علاوه بر مالیات‌های دیگر می‌بایست پرداخت شود.
ریاع (فلور، ۱۳۹۵: ۶۶۳)	ارزیاب محصول
سرگله (بردسیری، ۱۳۶۹: ۲۶۱)	مالیات سرانه گوسفندان
طرح (ذبیحی و ستوده، ۱۳۵۴: ۲۰/۶)	فروش اجباری محصولات کشاورزی

اصطلاح	معنی
طرح پنبه و ابریشم (همان)	فروش اجباری پنبه و ابریشم
قلم (رفیعا، ۱۳۴۶: ۱۵۷)	بخشی از طومار مالیات که تنها به یک محصول مشمول مالیات اختصاص داشت
کپر (فلور، ۱۳۹۵: ۲۲۲)	مالیات خانه‌های نئین
کفاف (همان، ۴۰۲)	کم کردن مالیات دمساز یا زیان‌های دهقانان
مال الطواحین (همان، ۱۸۹)	مالیات آسیاب
مال مزروعی (همان)	مالیات محصول
مال متوجهات دیوانی (همان، ۱۹۰)	مالیات نقدی و جنسی کشاورزی
مال و بهره‌چه (رفیعا، ۱۳۴۶: ۸۱)	مالیات کشاورزی
مالیات بیوت النحل (همان، ۸۳)	مالیات کندوهای زنبور عسل
مباشرا نه (همان)	دستمزد مباشر یا سرپرست زمین کشاورزی
مستأجر (فلور، ۱۳۹۵: ۲۰۶)	کشاورز اجاره‌کننده زمین
مقاسمه (لمبتون، ۱۳۷۷: ۱۱۳)	شیوه ارزیابی مالیات برپایه محصول به دست آمده
مقاطعه (لمبتون، ۱۳۷۷: ۱۱۵)	شیوه ارزیابی مالیات برپایه نرخ ثابت بدون در نظر گرفتن محصول واقعی

۴. عشایری

ساخت زیستی عشایری یا شبانکارگی همچون ادوار گذشته مبنای زندگی قبایل چادرنشین بود. مهم‌ترین هدف فعالیت‌های اقتصادی مردم کوچ‌نشین، تأمین نیازهای اساسی خود یعنی به دست آوردن چراگاه برای چراندن دام‌هایشان بود. از این روی مهم‌ترین مالیات پرداختی آنان در ازای در اختیار داشتن چراگاه، دام و نیروی انسانی برای انجام وظایف نظامی بود. این مهم نیز در دفاتر مالیاتی عصر صفوی به ثبت می‌رسید.

«آبخوار و علفخوار» اصطلاحی بود که برای عوارض نوشیدن و چریدن دام‌ها به کار می‌رفت. از چادرنشینان نوعی مالیات سرانه به نام «اتاق خرجی» نیز گرفته می‌شد (الیاریوس، ۱۳۶۳: ۴۶۲). مالیات مربوط به چارپایان را نیز تحت عنوان «چوپان‌بیگی» اخذ می‌کردند. «حق‌المرتع» مالیاتی بود که ایلات و قبایل برخوردار از مرتع می‌بایست پرداخت نمایند. «شمار مال» نیز به معنی مالیات گله و رمه بود. در این بین مستوفیان مالیاتی حتی برای گوسفند و بزهایی که درون گله زاییده و شیر می‌دادند نیز مالیاتی به نام «مراعی» تعیین کرده بودند (لمبتون، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

یکی دیگر از اصطلاحات مالی عصر صفوی که سابقه‌ای هزارساله در ایران داشت، «جزیه» بود. یهودیان، زرتشتیان و مسیحیان اقلیت‌های دینی ایران دوره مورد بحث را تشکیل می‌دادند که ملزم به پرداخت جزیه بودند. مناسبات صفویان با مسیحیان به دلیل

ارتباط‌های تجاری و بازرگانی با اروپاییان مسیحی نسبتاً حسنه بود. اما یهودیان به دلیل دشمنی با مسیحیان (شرکای تجاری صفویان) کمتر مورد توجه حکومت قرار می‌گرفتند (سفرنامه‌های ونیزیان، ۱۳۴۲: ۴۴؛ فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۶۰). برخی از آنان در مواردی به سبب دسیسه‌های گروه‌های مسیحی برای دست‌یابی به شرایط مطلوب‌تر دین خود را تغییر می‌دادند (دلواله، ۱۳۴۸: ۲۱۶؛ لوی، ۱۳۳۹: ۴۱۶/۳-۲۹۱). اوضاع عمومی زرتشتیان نیز چندان رضایت‌بخش نبود. آنان همچنان علاوه بر پرداخت جزیه، اموالشان به دلایل گوناگون توسط حکومت مصادره می‌شد (سروشیان، ۱۳۷۲: ۱/۲۳-۲۲).

نتیجه

در عصر صفوی دیوان استیفا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های تشکیلات دیوانی با اقشار زیادی از مردم جامعه در ارتباط بود. این دستگاه مالی در دو مقوله مهم گرفتن خراج و مالیات و پرداخت مواجب و دستمزد انجام وظیفه می‌کرد. همچنین چگونگی و میزان دخل و خرج مملکت اعم از دیوان و دربار را ثبت و ضبط می‌نمود. از این روی می‌توان گفت حجم بسیار زیادی از مناسبات مالی در دفاتر این دیوان به ثبت می‌رسید. هر یک از این دفترها شرایط اقتصادی یک یا چند واحد معین مانند صنف، دهکده، ایل و... را بررسی می‌کرده و براساس قانون‌های مصوب در کتابچه‌های مالیاتی از آن گروه‌ها خراج لازم را اخذ می‌کردند. اصطلاحات مالی نسبتاً زیادی از دوره صفویه به جای مانده که هر کدام گویای نوعی شغل، درآمد و مالیات ویژه می‌باشد. این اصطلاحات را می‌توان در سه حوزه زیست شهری، روستایی و عشایری تقسیم‌بندی کرد. هر کدام از این حوزه‌های زیستی به‌ویژه حوزه شهری از چند زیرشاخه مالی و مالیاتی تشکیل می‌شد. امور دیوانی و دفتری، اصناف و بازار، امور درباری و تشریفاتی، انواع حقوق و مواجب، هزینه‌های نگهداری سپاه و راهداری و گمرک از مهم‌ترین کارکردهای به‌دست‌آمده از تحلیل و بررسی این اصطلاحات می‌باشند. در هر یک از موارد یادشده براساس کاربرد آن بخش، مواجب، مالیات‌ها و هزینه‌هایی مشخص شده بود که با اصطلاحات خاص خود در دفترهای مالی به ثبت می‌رسیدند. چنین اطلاعاتی می‌تواند در روشن شدن بیش از پیش مقدار درآمد، میزان مخارج و حتی وضعیت اقتصادی آن گروه و قشرهای اجتماعی دوره مورد بحث مفید باشد.

منابع

- آصف، محمد هاشم (رستم الحکما) (۱۳۴۸). **رستم‌التواریخ**. به کوشش محمد مشیری. بی‌نا.
- آرنو ام. و اشرفیان، ک (۱۳۵۶). **دولت نادرشاه افشار**. ترجمه حمید امین. تهران: دانشگاهی.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۰۶). **المآثر و الآثار**. تهران: دارالطباعة خاصه دولتی.
- اولناریوس، آدام (۱۳۶۳). **سفرنامه آدام اولناریوس: بخش ایران**. ترجمه احمد بهپور. تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۴۸). **سیاست و اقتصاد عصر صفوی**. تهران: صفی علیشاه.
- بردسیری، میر محمد سعید مشیری (۱۳۶۹). **تذکره صفوی**. تهران: نشر علم.
- پیگولوسکایا، ن. و دیگران (۱۳۵۴). **تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی**. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
- تاج‌بخش، احمد (۱۳۷۲). **تاریخ صفویه**. شیراز: نوید.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۹). **سفرنامه تاورنیه**. ترجمه حمید ارباب‌شیرانی. تهران: نیلوفر.
- ترکمان، اسکندریک (۱۳۸۲). **تاریخ عالم‌آرای عباسی**. ج ۱-۳. به تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- جکسون، پیتر؛ لارنس لکه‌هارت (۱۳۸۰). **تاریخ ایران دوره صفویان**. پژوهشگاه کمبریج. ترجمه یعقوب آژند. تهران: جامی.
- دلاواله، پیتر (۱۳۴۸). **سفرنامه**. ترجمه شجاع‌الدین شفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ذبیحی، م؛ م. ستوده (۱۳۵۴). **از آستارا تا استارباد**. ج ۶. تهران: انجمن آثار ملی.
- رفیعا، میرزا (۱۳۴۶). **دستورالملوک**. به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه. ضمیمه ش و ۵ و ۶ سال شانزدهم مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران: تهران.
- سانسون (۱۳۴۶). **وضع شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی**. ترجمه تقی تفضلی. تهران: ابن سینا.

- **سفرنامه‌های ونیزیان در ایران** (۱۳۴۹). ترجمه منوچهر امیری. تهران: خوارزمی.
- سروشیان، جمشید (۱۳۷۲). **زرتشتیان کرمان در این چند سده (با مقدمه باستانی پاریزی)**. تهران: بی‌نا.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). **سفرنامه شاردن**. ترجمه اقبال یغمایی. ج ۳. تهران: توس.
- شیرازی، عبدی بیگ (۱۳۶۹). **تکملة الاخبار**. به کوشش عبدالحسین نوائی. تهران: نی.
- صادقی، مقصود علی (۱۳۷۸). «راه‌داری در روزگار صفویه و چند سند منتشر نشده». **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز**. ش ۱۷. صص ۱۱۰-۸۱.
- فلور، ویلم (۱۳۹۵). **تاریخ مالی ایران در روزگار صفویان و قاجاریان (۱۵۰۰-۱۹۲۵م)**. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- فوران، جان (۱۳۷۷). **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق ۸۷۹ شمسی تا انقلاب**. ترجمه احمد تدین. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فومنی، عبدالفتاح (۱۳۴۹). **تاریخ گیلان در وقایع سال‌های ۹۲۳-۱۰۳۸ هجری**. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فیگوئرا، دن گارسیا داسیلوا (۱۳۶۳). **سفرنامه**. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نو.
- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۴۸). **یکصد و پنجاه سند تاریخی از جلالیریان تا پهلوی**. تهران: ارتش.
- _____ (۱۳۵۰). **مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی از جلالیریان تا پهلوی**. تهران: انجمن آثار ملی.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰). **سفرنامه کمپفر**. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- گلستانه، ابوالحسن بن محمد (۲۵۳۶). **مجملة التواریخ**. به کوشش محمد تقی مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.
- لمبتون، آن (۱۳۷۷). **مالک و زارع در ایران**. ترجمه منوچهر امیری. تهران: صفی‌علیشاه.
- لوی، حبیب (۱۳۳۹). **تاریخ یهود ایران**. ۳ جلد. تهران: یهود ابروخیم.
- منجم، ملاجلال (۱۳۶۶). **تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال**. به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. تهران: انتشارات وحید.

- میرزا سمیعا، محمدسمیع (۱۳۶۸). **تذکره الملوک**. به کوشش محمددبیر سیاقی. تهران: امیرکبیر.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۶۸). **سازمان اداری حکومت صفوی با تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک**، ترجمه مسعود رجب‌نیا. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: امیرکبیر.
- ناصرامینی، ضیاءالدین (۱۳۴۶). **حقوق اداری**. مشهد: بی نا.
- نصیری، میرزا علینقی (۱۳۷۱). **القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه**. به تصحیح یوسف رحیم‌لو. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- نعمانی، فرهاد (۱۳۵۸). **تکامل فنودالیم در ایران**. ج ۱. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۶۳). **اسناد و مکاتبات سیاسی ایران**، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی
- نویدی، داریوش (۱۳۸۶). **تغییرات اجتماعی، اقتصادی در ایران عصر صفوی**. ترجمه هاشم آغاچاری. تهران: نشر نی.
- وزیری، احمد علی خان (۱۳۵۲). **تاریخ کرمان (سالاریه)**. به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علمی.
- _____ (۱۳۵۴). **جغرافیای کرمان**، به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: ابن سینا.
- هنرفر، لطف الله (۱۳۴۴). **گنجینه آثار تاریخی اصفهان**. اصفهان: بی نا.
- هینس، والتر (۱۳۶۱). **تشکیل دولت ملی در ایران حکومت آق قویونلوها و ظهور دولت صفوی**. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.

مقالات

- استودارت (۱۳۳۹). «سفرنامه استودارت». **مجله فرهنگ ایران زمین**. ترجمه احمد توکلی و مقدمه سر دنیسن راس. ش ۸. صص ۱۶۱-۲۲۰.
- تقوی، نعمت اله (۱۳۶۳). «نظام‌های مالیاتی در ایران». **مجله زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز**. ش ۱۳۱. صص ۸-۴۵.

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا / ۱۷۳

- خسروییگی، هوشنگ و محبوب الهام (۱۳۹۴). «بررسی ساختار و اجزای دفتر توجیحات در عصر صفوی». **مجله پژوهش‌های ایران‌شناسی**. سال پنجم. ش ۲. پاییز و زمستان. صص ۳۳-۵۰.
- سمسار، محمدحسن (۱۳۵۲). «دو فرمان و مهر تازه از پادشاهان صفویه و زندیه». **بررسی‌های تاریخی**. س هشتم. ش سوم. صص ۷۷-۹۴.
- صادقی، مقصودعلی (۱۳۷۸). «راه‌داری در روزگار صفویه و چند سند منتشر نشده» **دو فصلنامه زبان و ادب فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز**. ش ۱۷۱. بهار و تابستان. صص ۸۱-۱۱۰.
- قاسمی، زهرا (۱۳۸۷). «تجارت داخلی ایران در عصر سلطنت شاه عباس صفوی». **نشریه زبان و ادبیات حافظ**. ش ۱۵. صص ۱۶-۱۸.
- کریمی موغاری، زهرا و آزاده خرمی مقدمی (۱۳۹۴). «بررسی عملکرد اقتصادی ایران در عصر صفوی و مقایسه آن با اروپای قرن هفده میلادی با رویکرد نهادی». **فصلنامه اقتصاد: برنامه‌ریزی و بودجه**. تابستان. ش ۱۲۹. صص ۱۴۳-۱۸۰.